

شرکت و معاونت در جرائم

آنچه تا بحال راجع بتحریرك گفته شد مربوط بتحریرك فردی بود حال باید تذکر داد که قسم دومی از تحریرك وجود دارد که آنرا تحریرك جمعی گویند و بواسطه نطق در مجامع عمومی و اوراق چاپی یا خطی بعمل می آید .
 عده از قوانین خارجه بتحریرك جمعی را که برای ارتکاب جرم اعم از جنحه و جنایت بوده باشد در صورت مؤثر بودن بمنوان معاونت در همان جنحه یا جنایت مجازات می کنند و در صورت مؤثر نبودن چون دیگر عنوان معاونت نمیتواند صادق باشد بنام مرتکب جرم بخصوص بمجازات مختصری محکوم مینمایند .

قانون ایران در ماده ۷۹ مقرر میدارد : « هر کس بواسطه نطق یا اوراق چاپی یا خطی مردم را صریحاً به ارتکاب جنحه یا جنایتی برضد امنیت داخلی یا خارجی کشور تحریرص نماید در صورتیکه اثر بر آن مترتب گردد بمجازات جنحه یا جنایتی که بر آن مترتب شده محکوم خواهد شد و در صورتیکه اثر بر آن مترتب نشود از هشت روز تا سه ماه محکوم بحبس تأدیبی خواهد شد ، چنانکه ملاحظه میشود قانون ایران بتحریرك بواسطه نطق یا مطبوعات را معاونت محسوب نداشته بلکه محرک را مرتکب جرم مخصوص می شمارد .

۲ - دادن دستورات - این عمل عبارت از اینست که شخصی بمرتکب اصلی اطلاعات لازمه برای تسهیل وقوع جرم بدهد طبق اصول کلی تنها دستور دادن برای قابل مجازات بودن معاون کفایت میکند و احتیاج بانضمام یا تهدد و اتمام و سوء استفاده از مقام و قدرت ندارد در صورتیکه تنها بتحریرك برای قابل مجازات بودن معاون کافی نیست

در قوانین خارجه و قانون ایران از دستور دادن تعبیر به تبانی شده و ظلم و اطلاع دستور دهنده از عاقبت

يك چنین تحریکی را انصافاً نمیتوان جزء تحریكات قابل مجازات قانون بمنوان معاونت در جرم دانست ولی بمناصب نیست که قانون گزار از نقطه نظر حفظ انتظامات عمومی این قبیل اشخاص را بمنوان مرتکب يك جرم مستقل مورد مجازات قرار دهد .

برای اینکه تحریك معاونت شمرده شود باید مؤثر واقع گردد زیرا چنانکه سابقاً گفته شد یکی از شرایط لازمه معاونت قانونی وجود جرمی است که صریحاً در قانون ذکر شده باشد و اگر با مؤثر نبودن تحریك محرک را مجازات کنند مثل اینست که شروع بمعاونت را قابل مجازات تلقی کرده اند در صورتی که مطابق اصول کلی و رویه های قضایی تمام کشور ها شروع بمعاونت مجازات ندارد .

اما گاهی قانون گزار برای رعایت انتظامات عمومی تحریك غیر مؤثر را قابل مجازات دانسته و محرک آنه بمنوان معاونت بلکه بنام مرتکب جرم مخصوص مجازات میکنند نظایر این ترتیبات در قانون ایران هم دیده میشود مثلاً ماده ۷۰ مقرر میدارد : « هر کس اهالی را بجنک و قتال بایکدیگر اغوا و تحریك کند که موجب قتل در بعض از نواحی گردد محکوم باعدام است و در صورتی که تحریكات او مؤثر واقع نشده باشد محکوم به تبعید است . .

ماده ۷۴ - « اگر اشخاص غیر نظامی که در خدمت نظام نیستند افراد قشون نظامی را تحریك بمصیان باعدم اجرای وظایف نظامی کنند اگر تحریك مؤثر واقع نشود از ۶ ماه تا ۲ سال حبس تأدیبی یا از یکصد تومان تا پانصد تومان غرامت محکوم میشوند . .

ماده ۶۹ - « هر کس اهالی کشور را صریحاً تحریص بمسرح شدن برضد حکومت ملی نماید اگر تحریص او مؤثر نشده جزای او از ۶ ماه تا ۳ سال حبس تأدیبی است . .

واقع شود هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد مثل سرقت بوسیله کلید های ساختگی که تهیه کنند. کلید بدون تردید معاون جرم است ولی در سایر جاها باید دقت کافی اعمال کرد.

مبحث دوم

معاونت در حین ارتکاب

معاونت در حین ارتکاب که از آن تعبیر بمعاونت معاصر یا مقارن میشود عبارت از دستیاری و کمکی است که در همان حال ارتکاب جرم نسبت بمجرم انجام داده شود. تشخیص بین معاونت های مقارن و معاونت های سابق بر جرم فقط جنبه نظری دارد و فائده عملی بر آن مترتب نیست زیرا که برای هر دو آنها يك مجازات مقرر است. معاونت معاصر نباید ظوری باشد که در صورت نبودن آن جرم وجود خارجی پیدا نمیکرد چه در این صورت کمک کننده معاون جرم نبوده بلکه شریک شناخته خواهد شد. بهر تقدیر تشخیص بین شرکت و معاونت معاصر با جرم بی نهایت مشکل و تلاوه بر قواعدی که در فصل سوم گفته شد بعقیده بعضی شریک یا فاعل اصلی عناصر ظاهری جرم را بطرز مصرح در قانون و ماده مخصوص بهر جرم انجام میدهد یا اعمالی را بجای آورد که لازمه جرم است مثلاً در سرقت مقرون بشکنجه و آزار تهدید و صدمه رسانیدن عنصر جرم بوده و کسی که آن اعمال را بجا می آورد از شرکاء جرم میباشد بر عکس معاون مرتکب کار هائی می شود که از لوازم جرم نیست ولی سبب تسهیل وقوع آن است مثل کشیک دادن در سرقت و قتل برای اینکه مرتکب اصلی به آسودگی جرم را مرتکب شود.

پس از شرح اقسام معاونت بی مناسبت نیست بمسئله که در این اواخر موضوع بحث های عمده شده مختصراً اشاره کنیم و آن عبارت از این است که آیا معاونت در معاونت یعنی معاونت با واسطه ممکن است یا نه؟ البته منظور امکان قضائی است و بعبارت دیگر آیا می توان معاونت در معاونت را قابل مجازات دانست یا نه؟

وخیم کار خود ذکر نگردیده و البته ذکر آن لزومی نداشت زیرا چنانکه در فصل دوم مذکور افتاد معاونت هائی دیده می شود که وجود علم و اطلاع در آنها احتیاج باثبات ندارد و دستور جرم دادن یکی از آن معاونت ها است. ولی گاهی این قاعده تولید اشکال می کند: فرض کنیم سارقی از مستخدم خانه در خصوص وضعیت ساختمان آن توضیحات میخواهد و مستخدم بدون سوء قصد و توجه بمقصود سؤال کننده اطلاعات لازمه را میدهد و سارق از آن استفاده کرده و مرتکب سرقت میشود بر طبق بیان فوق می توان گفت که این مستخدم معاونت در سرقت کرده ولی باعین عقل سلیمی موافق نیست پس اشکال را بطریق ذیل باید حل کرد:

گرچه در قوانین هنگام صحبت از دستور جرم دادن علم و اطلاع را شرط اساسی آن ندانسته اند ولی هیچوقت عنوان دستور دادن بطور مطلق ذکر نگردیده بلکه عبارت « برای ارتکاب جرم » بان اضافه شده است و بهمین نظر قانون مجازات عمومی در بند ۲ ماده ۲۸ مقرر میدارد: « کسانی که تبانی بر ارتکاب جرم کرده و بواسطه تبانی آنها جرم واقع میشود » بنابراین در مثال فوق چون قصد مستخدم ازدادن دستور تسهیل ارتکاب جرم نبوده نمیتوان او را معاون دانست.

۳ - تهیه اسباب و آلات جرم - در تهیه اسباب و آلات جرم وقتی تهیه کننده معاون شمرده می شود که با علم و اطلاع اقدام کرده باشد یعنی بداند که آلات تهیه شده برای ارتکاب جرم بکار برده خواهد شد پس دو شرط لازم است.

اولا - اسباب و آلات تهیه شده حقیقتاً وسیله ارتکاب جرم بوده:

ثانیا - مقصود معاون تسهیل وسائل وقوع جرم باشد. در هیچیک از قوانین از اسباب مذکور تعریفی نشده و تشخیص آن بعهد حاکم قضیه واگذار شده و از مسائل نظری است. در مواردی که جرم بوسیله آلات مصرحه در قانون

بعضی را عقیده بر آن است که قوانین فقط معاونت برای ارتکاب یکی از جرائم مصرح در قانون جزا را قابل مجازات می‌دانند یعنی معاونت در عملی وقتی قابل مجازات است که آن عمل ذاتاً و بطور استقلال و بدون انضمام بعمل دیگر قابل تعقیب جزائی باشد از قبیل معاونت در سرقت و قتل و غیره ولی معاونت در عملی که ذاتاً جرم نبوده بلکه به جهت انضمام بعمل دیگر جرم می‌باشد مجازات ندارد باین مناسبت معاونت در معاونت را این دسته از علماء قانوناً جرم نمی‌دانند .

بعضی دیگر از علماء اظهار می‌دارند : قوانینی که از شرکت و معاونت صحبت می‌کنند ارتباط مستقیم بین مرتکب اصلی و معاون را ضروری نمی‌دانند و فقط بطور کلی به معاونت بجرم یا تهیه وسایل آن اشاره مینمایند پس معاونتی که بواسطه آن پیدایش جرم امکان پذیر و یا ایجاد آن تسهیل میشود قابل مجازات است اعم از اینکه معاونت در حق خود مجرم بعمل آید یا معاون او .

از قوانین خارجه و .لاحظه قانون مجازات ایران که در بند ۱ و ۲ ماده ۲۸ نامی از مجرم نبرده می‌توان استدلال کرد و چون قانون گذار معاونت بلاواسطه ب مجرم اصلی یا شریک او را شرط اساسی قابل مجازات بودن معاون ندانسته است کسانیکه بهر نحو مستقیماً یا بطور غیر مستقیم - بواسطه یا ب واسطه - در وقوع جرم معاونت میکنند در حکم معاون میباشند بهلاوه از نقطه نظر فلسفه جزائی معاون محسوب داشتن کسانیکه بمعاون مجرم معاونت کرده اند اشکالی ندارد زیرا در تمام تعریفات که از معاونت بلسان فلسفه جزائی شده و قسمی از آن در فصول گذشته مذکور گردید مقصود اصلی از معاونت اقداماتی است که سبب تهیه وسایل وقوع جرم یا تسهیل ارتکاب آن میشود پس هر عملی که نتیجه آن تسهیل پیدایش جرم باشد معاونت است . بهر طریق مستقیم یا غیر مستقیم - که انجام داده شده باشد و نیز لزومی ندارد که عمل شخصیکه باو معاونت می‌شود ذاتاً قابل مجازات باشد مثل سرقت و قتل و غیره بلکه در هر عملی که در صورت وقوع قانون

برای آن مجازات مقرر می‌دارد معاونت قابل مجازات است . خلاصه چون معاونت در جرم جرم محسوب است معاونت در معاونت هم جرم و قابل مجازات باید باشد . در هر صورت نص صریح قانونی نداریم و رویه قضائی در دست نیست .

برای ختم مطلب بی مناسبت نیست فروعی را که مسیو گارارا (Garrara) در این مسئله فرض کرده از نظر خوانندگان بگذرانیم و آنها بقرار ذیل است :

۱ - معاونت در تحریک

مثلاً شخصی برای قتل يك نفر از دوا فروش مطالبه سم می‌کند و دوا فروش از انجام تقاضای او خودداری مینماید و در این بین شخص دیگر بدوا فروش جائزه داده و او را تحریک و تحریص بفروش دوا می‌کند . شخص محرک معاون معاون محسوب و قابل مجازات خواهد بود .

۲ - معاونت در دادن دستور جرم

مثلاً شخصی خیال سرقت از خانه دادر ولی برای سهولت ارتکاب محتاج بکس اطلاع از وضعیت خانه بوده و از شخص دیگر تقاضای می‌کند که از مستخدم سابق آن خانه اطلاعات لازمه را بخواهد و مستخدم مزبور در اثر سوء نیت یا علم و اطلاع از قصد سئوال کننده تقاضای او را انجام و بشورات او جواب میدهد . شکی نیست که مستخدم بنام معاون معاون قابل مجازات باید باشد .

۳ - معاونت در تهیه اسلحه و غیره

مثلاً معاون بواسطه تهیه و تدارک اسلحه و آلات و ادوات به مجرم معاونت کرده و آن آلات را از شخص ثالثی دریافت میکند در صورتیکه شخص اخیر اسباب و آلات لازمه را یا علم و اطلاع از قصد معاون باور داده در اینجا هم شخصی که آلات و ادوات را بمعاون داده معاون در معاون و قابل مجازات شمرده خواهد شد . با تمام فروع و دلائل مذکور نظریه معاون تشخیص دادن کسی که معاون جرم معاونت کرده هنوز

طرفدار جدی ندارد .

در پایان فصل باید توضیح داد که معاونت قابل تعقیب جزائی باید عمل مثبت باشد و کسی را که از ارتکاب جرم ممانعت نمیکنند و لو اینکه قدرت ممانعت داشته باشد نمیتوان قانوناً معاون جرم محسوب داشت این نظریه با استثناء یکی دو قانون که در آیه اشاره خواهد شد مورد قبول تمام قوانین واقع گردیده است .
از این قاعده اخیر چنین نتیجه میگیریم :

اولا معاونت بوسیله سکوت قانوناً معاونت قابل مجازات تلقی نمیشود . مثلاً شخصی که يك نفر را در حال ارتکاب جرم مشاهده کرده ولی سکوت اختیار نماید و بمقامات صالحه و ما مورین انتظامی قضیه را اطلاع ندهد معاون محسوب نمیشود سهل است بلکه اصلاً مسئولیتی متوجه او نیست .
ثانیاً معاونت منفی بوسیله عدم اقدام جزاً قابل تعقیب نیست مثلاً شخصی یک نفر را می بیند که خیال خالی کردن تیر بطرف شخص ثالثی را دارد و با داشتن قدرت از اقدام مرتکب جلوگیری نمی کند در اینجا هم شخصی که اقدام نکرده مجازات ندارد .

فصل پنجم

اشاره مختصر باخفاء اشخاص و اموال

پس از وقوع جرم دیگر عنوان معاونت یعنی تسهیل وسایل امکان وقوع یا ارتکاب آن غیر قابل تصور است زیرا دیگر موردی برای معاونت باقی نیست و جرم تمام شده است برطبق این بیان اخفاء اشخاص و اموال را نباید معاونت دانست با این حال عده معدودی از قوانین اخفاء اشخاص و اموال را که بعد از وقوع جرم بعمل آید معاونت محسوب میدارند . امروزه تمایل قوانین بیشتر براین است که هر دو قسم اخفاء را جرم مستقل بدانند - بدین ملاحظه اخفاء اشخاص و اموال از موضوع ما خارج فقط مختصراً صحبت خواهیم کرد :

۱ - اخفاء اشخاص

قانون مجازات عمومی ایران در مواد ۱۱۹ - ۱۲۴ از اخفاء مجرمین و قرار دادن آنها سخن می راند ولی مسلم است اگر شخصی بداند که يك یا چند نفر خیال

ارتکاب جرمی را دارند و بانها منزل داره و حمایت کند و منظورش مساعدت بمرتکبین باشد عمل او بدون خلاف معاونت محسوب است نه اخفاء مجرم بلسان قانون و قسمت اخیر ماده ۲۸ ناظر باین قبیل موارد است .

قانون ایران در مواد مذکور کسانی را که مرتکب اخفاء مجرمین شده اند بدو قسمت تقسیم می نماید .
اول ما مورین دولت که از انجام وظیفه خودداری کرده یا بمجرم مساعدت می کنند .

دوم اشخاص عادی که مرتکب فرار دادن یا اخفاء مجرمین میشوند و در هر يك از دو حالت مذکور بمناسبت اینکه شخص فراری یا مخفی شده متهم یا محکوم بجنحه یا جنایت بوده باشد میزان مجازات تغییر پیدا میکند .
در باب طریقه فرانسوی گذشته از مطالبی که اشاره شد متذکر میشویم که مبنای آن دو اصل است :

- ۱ - تشابه مجرمیت میان مرتکب اصلی و معاون او .
- ۲ - تساوی مسئولیت و مجازات آنها .

اصل اولی آخرین نتایج خود را در قانون فرانسه ظاهر میکند بدین معنی که مجرمیت و مسئولیت فاعل اصلی را کاملاً در باره معاون مؤثر دانسته در حالتیکه وضعیت خود او را تاحدی در باره اش بلا اثر می شمارند . برای توضیح مثال پدر کش را تکرار میکنیم : شخصی پدری را می کشد و پسر مقتول بمقاتل معاونت میکند چون مطابق قانون فرانسه میزان مجرمیت و مسئولیت معاون بسته بفاعل اصلی است و فاعل اصلی رابطه پدر و فرزند با مقتول ندارد قتل - قتل ساده شمرده شده و با اینکه معاون در قتل پدر خود معاونت کرده به مجازات پدر کش محکوم نمیشود و مجازات معاونت در قتل ساده برای او تعیین خواهد شد . برعکس فرض کنیم شخص اجنبی نسبت با پسر که پدر خود را کشته معاونت کرده بنا باصل مذکور در فرق چون مرتکب اصلی با مقتول رابطه پدر و فرزند دارد این رابطه نسبت بمعاون او که شخص اجنبی است مؤثر بوده و بالاخره در باره معاونی که با مقتول هیچ رابطه ندارد مجازات پدر کش تعیین خواهد شد .